سود, امتیاز

منفعت چیز خوبی است.

توانایی پرواز امتیاز خوبی برای پرندگان است.

مسلم, قطعی

اگر در مورد چیزی مطمئن هستید ، می دانید که واقعیت دارد.

من مطمئن هستم که گورخرها دارای خط های راه راه هستند.

شانس, فرصت

یک فرصت شانسی برای انجام کاری است.

من تابستان گذشته فرصتی برای دیدن آمفی تئاتر (شهر رم در ایتالیا) پیدا کردم.

اثر, تاثیر

تأثیر تغییری است که توسط چیز دیگری ایجاد شده است.

این دارو تأثیر خوبی روی پسر داشت.

ضروری

اگر چیزی ضروری است ، بسیار مهم و واجب است.

هنگام غواصی داشتن اکسیژن ضروری است.

دور, فاصله

اگر چیزی دور باشد ، نزدیک نیست.

از ساحل شرقی آمریکا تا ساحل غربی آمریکا بسیار فاصله هست.

تمرکز کردن

تمرکز کردن روی چیزی فکر کردن در مورد آن و توجه به آن است.

مادرم همیشه به من کمک می کند تا روی تکایف مدرسه ام تمرکز کنم.

کارکرد

کارکرد چیزی همان کاری است که انجام می دهد.

عملکرد چراغ قوه کمک کردن به دیدن در تاریکی است.

چمن

چمن برگهای سبز رنگی است که زمین را می پوشاند.

چمن بسیار نرم و سبز به نظر می رسید.

نگهبانی دادن, محافطت کردن

نگهبانی کردن از چیزی مراقبت از آن است.

افسر پلیس ما را از هر گونه آسیب محافظت خواهد کرد.

تصویر

تصویر چیزی عکس آن است.

تصویر چشم او کاملاً واضح بود.

فوری

اگر چیزی فوری باشد ، به سرعت اتفاق می افتد.

پیتزا فروشی به درخواست خرید ما فوری جواب داد.

اولیه, ابتدایی, اصلی

اگر چیزی اولیه یا اصلی باشد ، مهمترین چیز است.

افکار اصلی او درباره پول است.

غرور, افتخار

اگر کسی احساس غرور کند ، از کاری که انجام داده است خوشحال است.

او به تصویری که از خانه اش کشیده افتخار می کند.

ماندن, تغییر نکردن

ماندن در جایی یعنی توقف کردن در آنجاست.

خواهرم از آنجا که بیمار بود مجبور شد در خانه بماند.

استراحت کردن

استراحت این است که فعالیت خود را متوقف کنید تا بدن قدرت و توانی خود را دوباره پس بگیرد.

بعد از(آمدن از) کار روی کاناپه استراحت کردم.

جداگانه، مجزا

اگر دو چیز از هم جدا باشند ، با هم نیستند.

نیویورک و لس آنجلس در دو قسمت جداگانه از آمریکا قرار دارند.

سایت, مکان

سایت یک مکان است.

ما مکان مناسبی برای پیک نیک خود پیدا کردیم.

دم

دم بخشی از بدن حیوان است که از عقب یا پشت خود بیرون می زند.

سگ ما وقتی خوشحال شود دمش را تکان می دهد.

مشکل

مشکل یک مسئله یا دشواری است.

من در کار با رئیسم مشکل دارم.

آرگوس در یونان باستان زندگی می کرد. او شوهر و پدری با افتخار بود. او سخت کار و در کار خود خوب بود. اما یک چیز در مورد او طبیعی نبود. او با 100 چشم متولد شد. داشتن چشمهای زیاد معمولاً برای او یک امتیاز محسوب میشد. او فرصت دیدن بسیاری از چیزها را داشت.

همچنین ، از آنجا که او چشمان زیادی داشت ، در محافظت از چیزها بسیار ماهر بود. هنگام خواب او هر بار فقط چند چشم خود را استراحت می داد. بقیه چشم ها بیدارمی ماندند. او برای هرا ، یک الهه بزرگ کار می کرد. وظیفه اصلی او نگهداری از یک گاو خاص بود. گاو برای هرا بسیار مهم بود. آن حیوان خانگی مورد علاقه او(هرا) بود. مهمترین قسمت کار او تنها محافظت از گاو بود. باید از سایر گاوها و دور از مردم نگهداری می شد.

این برای آرگوس کار ساده ای بود. گاو فقط تمام روز چمن می خورد. اما زئوس خدا گاو را می خواست. او می خواست آن را از هرا بگیرد. او نقشه ای داشت. او یک نوازنده ی موسیقی عالی پیدا کرد. او(زئوس) از مرد خواست آهنگ زیبایی برای آرگوس پخش کند. زئوس مطمئن بود که آرگوس به خواب خواهد رفت.

این آهنگ تأثیر فوری داشت. آرگوس نمی توانست بر روی شغل خود تمرکز کند. خوابش برد. زئوس این را دید ، و گاو را برداشت.

هرا از دست آرگوس بسیار عصبانی شد. او را به یک طاووس تبدیل کرد. چشمان زیادش را روی دمش قرار داد. آرگوس بسیار غمگین بود.

زئوس دید که چقدر برای آرگوس دردسر ایجاد کرده است. او نقشه دیگری ریخت. او آرگوس را به گروهی از ستاره ها تبدیل کرد. او می خواست که آرگوس برای همیشه در آسمان باقی بماند. حتی در حال حاضر، تصویر آرگوس در آنجا ، بالای مکانی که همه مشکلات او از آنجا آغاز شده است ، باقی مانده است. هنوز هم می توانیم او را در آسمان شب ببینیم.